

به کاری مشغول هستند، به جای تمرکز بر همان کار، دائماً ذهنشان درگیر کارهای بعدی است، همین پدیده به تنهایی کافی است تا آرامش درونی فرد را به باد فنا بدهد و همه دغدغه‌ها، غصه‌ها و اندوه‌های

عالم را به دل او بریزد تا دیگر نه جانی برای انجام همین کار جاری، باقی بماند و نه دل و دماغی برای رفع و رجوع کارهای بعدی! اگر چنین نباشد و حین انجام هر کاری، ذهن و فکر تنها بر همان عمل متمرکز

شود، علاوه بر آن که اتلاف انرژی انسان به حداقل می‌رسد، راه نفوذ شیطان و القانات عجیب و غریب او هم بسته می‌شود. شاید اندکی هوشیاری بس باشد برای آن که بی‌جهت خود را گرفتار دغدغه‌ها نکنیم

تا مبدا دور و برمان آنقدر شلوغ و به‌هم ریخته شود که مجبور باشیم از ترس تب دغدغه‌ها، به خودزنی و یا خودکشی روی بیاوریم. ما احسن الحکمة!

مؤخره

درس‌های از برادران جن

معمول این است که هر وقت حرفی از جن به میان می‌آید همه می‌روند سراغ داستان‌های تخیلی ملاقات انسان‌ها با اجنه و موجودات سم‌دار با ظاهری عجیب و غریب. ولی قرآن در دو موضع از گروهی از جنیان صحبت می‌کند که نه تنها مبدأ شر نیستند بلکه الگویی هستند برای میل به ایمان و پُرکند از نکات جالب توجه، یک گروه از آنها در سوره مبارکه «جن» معرفی می‌شوند. آنهایی که به قول خودشان گمان نمی‌کردند کسی از انسان‌ها یا اجنه به خدا نسبت دروغ بدهد، و به همین دلیل تا آیات قرآن به گوش‌شان رسید گفتند: «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ» و دست از شرک برداشتند شرکی که به خاطر خوش‌گمانی‌شان به آن گرفتار شده بودند.

دومین جا سوره مبارکه احقاف است؛ آنجا که از زبان کافران در طعنه به مؤمنان بیان می‌کند که: «لَوْ كَانْ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ» گروهی که در این سوره معرفی می‌شوند نیز مثل گروه قبل مستمع قرآن هستند: «وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ» چند نکته در این گروه هست که



صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

سردبیر: نعیمه پورصالحی

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (علیهم‌السلام) (کاشفیون)

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران



به نام ســـــــــــــــــلام

الفبای آموزش در جهاد نرم!

•کاظم رجبعلی

آمده بود بپرسد که چه سیر مطالعاتی باید داشته باشد، که با جواب عجیبی مواجه شد؛ جوابی که اصلاً انتظارش را نداشت. عبدالعلی با کسی در این زمینه‌ها تعارف نداشت؛ کتاب لقاءالله را هم که می‌آوردی اگر مناسب حال تو نبود، می‌گفت که نباید بخوانی. نه که بگوید چون در سطح آن نیستی؛ می‌گفت الان که این کتاب را بخوانی فکر می‌کنی خواندی و به موضوعاتش مسلط هستی و در زمان لازم نمی‌توانی از آن بهره‌مند شوی! همین منطق با متغیرهای دیگری قابل انطباق با دیگر کارهای ما، مثلاً لیست‌های بلند بالایی که برای سیرهای مطالعاتی در نظر می‌گیریم، هست. عادت کرده‌ایم به چند نوع غذا و خورشت و این را می‌توان از سفره‌های رنگین میهمانی‌هایمان فهمید.

پشـــــــــــــــــت پنجره

تحلیل اضطراب و راه درمان آن

برداشته از کلاس‌های استاد رحیمے، یکشنبه‌ها

•آتنا رمضانی

در کوچه‌پس‌کوچه‌های زندگی سر انسان گیج می‌رود، دلش به لرزه می‌افتد و سکون جایش را به اضطراب و دلهره قرض می‌دهد. انگار کسی در درون آدمی موج تشویش را به راه می‌اندازد و ناگهان گم می‌شود، به دنبالش که می‌روی در تاریکی‌ها گم می‌شوی. همه راه‌ها را امتحان می‌کنی؛ پول، مدرک و ... تمامی درها را می‌کوبی؛ شهرت، مقام و ... شاید که به آرامش برسی ولی هنوز هم قلبت اطمینان نیافته است. آیا اضطراب و نگرانی در زندگی امروزه امری است طبیعی؟ آیا راهی هست تا بتوان به این کیمیای حیات دست یافت؟ آیا می‌توان آرامش را در تک‌تک لحظه‌هایمان جاری کنیم؟

باید بدانیم که نگرانی از ناحیه شیطان است و هر نوع اضطراب تیری است از جانب شیطان و در فضای اضطراب، چون آرامش و تعادل انسان بهم می‌خورد، از او کار ناصواب سر می‌زند و او را به کفر و ناشکری و ناسپاسی می‌کشاند و از مسیر عبودیت و بندگی خارج می‌کند. دانستن این مطلب نیز مهم است که تنها علامت و شاخصه شیطانی بودن یک‌ندا، اضطراب است؛ به این معنا که صوت و نواهای شیطانی اضطراب‌آفرین است.

راه اصلی مقابله با اضطراب «ذکر الله» است البته پوسته ذکر کارکردش ضعیف است و باید به حقیقت ذکر برسیم؛ به این معنا که اگر انسان خدایی را بشناسد که قرآن معرفی می‌کند با یاد چنین خدایی قلب انسان آرام می‌گیرد. حال، حقیقت ذکر چگونه حاصل می‌شود؟ از محبت، اگر انسان نسبت به کسی محبت داشته باشد خود به خود یاد او در دلش هست و سرچشمه محبت از کمال است و محبت یعنی جذب شدن نفس بسوی کمال و قرآن کریم خدایی را معرفی می‌کند که صاحب جمیع کمالات است لذا با معرفی حق تعالی محبتش را در دل انسان زیاد می‌کند، محبت که زیاد شود ذکر زیاد می‌گردد. البته برای دائم‌الذکر شدن راه اساسی دیگری نیز وجود دارد و آن توجه به فقر و در پی آن رافع فقر است که توجه به فقر و رافع فقر لازم و ملزوم یکدیگرند. تشنگی یعنی فقر، حال هر چقدر این تشنگی شدت بگیرد یاد آب شدت پیدا می‌کند تا جایی که در منظر ذهن هیچ چیز به جز آب نیست و اینگونه است که انسان دائم‌الذکر می‌شود.

سه شنبه	۶ تیر ۱۳۹۱	سال دوم	۵۱
۶ شعبان ۱۴۳۳	شماره		

در بسیاری موارد احساس پیچیدگی حاصل یک نگاه و ذهنیت پیچیده‌ساز است ممکن است موضوعی به‌همین دلیل و اختلال پیچیده به نظر برسد. سیر و جریان جهاد نرم به رغم نما و ظاهرش که پیچیده به نظر می‌رسد، -که البته همین نمای پیچیده نیز محصول عادت به سفره‌های رنگین است- کاملاً ساده بوده و پیام‌هایش رسا و واضح است. اصلاً انحراف است که احتیاج به پیچیدگی دارد تا بتواند بییچاند و گرنه جهاد به شفافیت همان مجاهدانی است که خداوند ضعف را از ایشان خواهد زدود و آنها را سروران زمین خواهد کرد و قوت هر یک را معادل با توان چهل مرد خواهند نمود.

امام سجّاد (علیه‌السلام) فرمود: «اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شیعتنا العاهة و جعل قلوبهم کریرالحدید و جعل قوّة رجل منهم قوّة اربعین رجلاً و یکنونون حکام الارض و سنامها»

ادعای دانستن را بشوید و تطهیر کند.

شیعه علیے (علیه‌السلام) دشمن دین نمی‌شود...	
از گردان ادبے امام سجّاد علیه‌السلام	

•نعمه پورصالحی

قرار نیست شیعه مصداق سوره ماعون باشد. نباید الکی دشمن‌سازی کرد. چندین قرن است که در گوش ما شیعه کرده‌اند که نکند تو نمازت را با ریا می‌خوانی و آنقدر که ما باورمان شده که این طوری «هستیم»! نباید نماز طوری جلوه پیدا کند که با خود بگوییم ما هیچ‌وقت به نماز مقبول نمی‌رسیم. ما نمی‌گوییم در معرض معانی سوره ماعون نیستیم. هیچ‌وقت حرف این نبوده است. معلوم است که هر مسلمانی باید خود را در معرض فرامین و هشدارهای سوره‌های قرآن بداند اما این دقیقاً یعنی نباید الکی از خودمان دشمن دین بسازیم! این به این معنی نیست که ما حواسمان به نمازمان نباشد، حواسمان به این نباشد که یتیم را نوازش می‌کنیم یا نه؛ اما نباید این را فراموش کنیم که شیعه امام علی(علیه‌السلام) کسی نیست که دشمن دین باشد. اگر هم دنبال راه چاره هستیم که ببینیم سربه‌هوا هستیم یا نه، تحلیل و بررسی نمازمان راه حل است.

همه‌ما می‌دانیم که نماز ما اغلب نماز حقیقی نیست. مانمی‌توانیم بگوییم نمازمان همان نمازی است که قرآن توصیف می‌کند. از طرفی هم نمی‌توانیم خودمان را جزء دشمنان دین معرفی کنیم، چون این قضاوت درست نیست؛ یعنی خلاف حکم خدا عمل کردن است. پس ما نه این هستیم و نه آن. اجازه هم نداریم خودمان را بی‌نماز، یا مکذب دین یا هر چیز دیگری معرفی کنیم. اجازه نداریم بگوییم خدا موجود و مخلوق بد خلق کرده است. ما امانت خداییم. با امانت خدابد تانکنیم!

به جای این فکرها به جای این تو سر زدن‌ها، دعا کنید، دعا کنیم، که خدا ما را از این منظر که سوره ماعون می‌گوید، متأسی به‌امیرمؤمنان(علیه‌السلام) کند تا ان‌شاءالله از کسانی نباشیم که نماز و اعمال‌مان به ویل خدا دچار شود.

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران



پیشخــــــــــــــــوان

سه کتاب تجدید چاپ شد

جهــــــــــــــــاد نرم

شب و روز

•ناهید باباشاهی

به نظر خودش مدت زیادی بود که در حال پیمودن این مسیر بود، اما آنچنان که باید علائم رسیدن به مقصد را مشاهده نمی‌کرد. از خودش ناامید شده بود و دست از تلاش کشید، اما ندایی از درون او را به حرکت واداشت. بلند شد و به راهش ادامه داد، روزها و شب‌ها گذشت تا اینکه در دورست‌ها مقصد را مشاهده کرد.

خیلی از ما انسان‌ها وقتی مقصدی را به‌عنوان مطلوب خود انتخاب می‌کنیم با ورود به مسیر و گذشت مدت زمان اندکی می‌خواهیم «غوره نشده مویز شویم». در حالی که رسیدن به هر مطلوبی خصوصاً مقاصد والا و ارزشمند نیازمند صبر و استمرار و خستگی ناپذیری در این مسیر است و باید گذاشت که مثل هر چیزی برای قوام یافتن رنگ روز و شب را به خود ببیند. این هرگز به معنای آسوده نشستن یا در اموری همچون عبادات به تاخیر انداختن توبه نیست بلکه به معنای مقاومت در برابر هر گونه عجله و جریان یأس در مقابل هر حرکت است. وقتی روز و شبی هست که خداوند به آنها قسم یاد کرده که در بستر آنها سختی‌ها را برای بنده‌هایش آسان می‌کند به اذن خود او می‌شود به روز ورود پیدا کرد و باور داشت که با عبور از هر شبی به مطلوبش نزدیکتر می‌شویم، با این باور و منطق هر انسان موحدی نه تنها اجازه ورود خطورات منفی مُخل حرکت را به ساختار وجودیش نمی‌دهد بلکه روز و شب او معنای سعیی است که می‌داند برای به بار نشستن باید به خود و بقیه فرصت دهد، فرصتی به دور از هر گونه عجله یا کندی.

کاشفک

سوره مبارکه ناس

•فاطمه ربیع‌زاده

خانوادگــــــــــــــــانه

پدیده، دغدغه و دیگر هیچ

برداشتی از جلسات خانوادگی مدرسه قرآن، چهارشنبه‌ها

• جواد مذحجی

امیرالمومنین(علیه‌السلام): از آنچه پدید نیامده نپرس چرا که آنچه پدید آمده برای تو کافی است.
<i> نهج البلاغه، حکمت ۳۶۴</i>

• چندی قبل، در خبرها آمده بود که در یکی از بزرگراه‌های کشوری خاص در ینگه‌دنیا، پلیس، زنی را در حالی متوقف و بازداشت کرده بود که به هنگام رانندگی، علاوه بر شیر دادن به کودک خود، مشغول صحبت کردن با تلفن همراه بوده و علاوه بر همه اینها در حال یادداشت کردن گفته

سه شنبه	۶ تیر ۱۳۹۱	سال دوم	۵۱
۶ شعبان ۱۴۳۳	شماره		

در خبر است که کتاب‌های «مهارت‌های مدیریت و برنامه ریزی»، «پرورش تفکر بنیادی» و «تفکر پرسشی» این هفته تجدید چاپ شده‌اند، و علاقه‌مندان می‌توانند از طریق دفتر مدرسه قرآن مبادرت به تهیه این کتاب‌ها بنمایند.

جهــــــــــــــــاد نرم

شب و روز

•ناهید باباشاهی

به نظر خودش مدت زیادی بود که در حال پیمودن این مسیر بود، اما آنچنان که باید علائم رسیدن به مقصد را مشاهده نمی‌کرد. از خودش ناامید شده بود و دست از تلاش کشید، اما ندایی از درون او را به حرکت واداشت. بلند شد و به راهش ادامه داد، روزها و شب‌ها گذشت تا اینکه در دورست‌ها مقصد را مشاهده کرد.

خیلی از ما انسان‌ها وقتی مقصدی را به‌عنوان مطلوب خود انتخاب می‌کنیم با ورود به مسیر و گذشت مدت زمان اندکی می‌خواهیم «غوره نشده مویز شویم». در حالی که رسیدن به هر مطلوبی خصوصاً مقاصد والا و ارزشمند نیازمند صبر و استمرار و خستگی ناپذیری در این مسیر است و باید گذاشت که مثل هر چیزی برای قوام یافتن رنگ روز و شب را به خود ببیند. این هرگز به معنای آسوده نشستن یا در اموری همچون عبادات به تاخیر انداختن توبه نیست بلکه به معنای مقاومت در برابر هر گونه عجله و جریان یأس در مقابل هر حرکت است. وقتی روز و شبی هست که خداوند به آنها قسم یاد کرده که در بستر آنها سختی‌ها را برای بنده‌هایش آسان می‌کند به اذن خود او می‌شود به روز ورود پیدا کرد و باور داشت که با عبور از هر شبی به مطلوبش نزدیکتر می‌شویم، با این باور و منطق هر انسان موحدی نه تنها اجازه ورود خطورات منفی مُخل حرکت را به ساختار وجودیش نمی‌دهد بلکه روز و شب او معنای سعیی است که می‌داند برای به بار نشستن باید به خود و بقیه فرصت دهد، فرصتی به دور از هر گونه عجله یا کندی.

کاشفک	بسم‌الله
سوره مبارکه ناس	نماز می‌خوانیم تا "ببینیم" خدا و مردم را

نه برای آنکه در مردم‌کا دیده شویم.

خانوادگــــــــــــــــانه

پدیده، دغدغه و دیگر هیچ

برداشتی از جلسات خانوادگی مدرسه قرآن، چهارشنبه‌ها

• جواد مذحجی

امیرالمومنین(علیه‌السلام): از آنچه پدید نیامده نپرس چرا که آنچه پدید آمده برای تو کافی است.
<i> نهج البلاغه، حکمت ۳۶۴</i>

• های طرف مقابل نیز بوده است. جل الخالق!
• یکی از پدیده‌های رایج در سال‌های نه چندان دور، رفتن خیلی از جوانان و احیاناً بعضی از میانسالان مملکت عزیز ما به کشور ژاپن بود، به قصد کسب درآمد و ساختن فردایی بهتر! برخی از هموطنان

اعزامی به سرزمین آفتاب تابان، بعدها تعریف می‌کردند که همنوعان چشم بادامی ما، صبح‌ها به هنگام رفتن به محل کار، در قطار شهری، جملگی می‌خوابند. البته پس از کنجکاوی و تحقیق و تفحص فراوان، مشخص شد که این پدیده‌های تکنولوژی‌پرور! خواب‌نیستند بلکه چشم‌ها را به جهان بیرون می‌بندند تا مبادا به‌هنگام شروع و نیز در حین انجام کار روزانه، خدای ناکرده تمرکزشان به تصاویر دیده‌شده در راه، پخش و پلا نشود. ما اعظم العجایب!
• بعد از فوت مرحوم حاج احمد آقا خمینی(ره)، مصاحبه‌ای ویژه از ایشان در یکی از روزنامه‌ها منتشر شد. در جایی از این گفتگو، مصاحبه‌کننده با صراحت و شفافیت و به قول روزنامه‌نگاران با نگاهی چالشی، در مورد مصاحبه دیگری از ایشان
